

داستان‌های خارجی

فلاش؛ سگِ شاعر

ویرجینیا وولف
ترجمه شفیقه کیوان

www.ketab.ir



Flush: A Biography

Virginia Woolf

Hogarth Press



www.ketab.ir

ولف، ویرجینیا، ۱۸۸۲ - ۱۹۴۱ م. *Woolf, Virginia*
فلاش؛ سگ شاعر / ویرجینیا وولف؛ ترجمه شفیقه کیوان.
تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۱.
داستان‌های خارجی
۳ - ۲۱۹۰ - ۰۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فیبا
عنوان اصلی: *Flush: a biography*, ۱۹۳۳.
فلاش؛ یک سرگذشت.
Fiction -- Browning, Elizabeth Barrett, ۱۸۰۶ - ۱۸۶۱
کیوان، شفیقه، ۱۳۶۷ -، مترجم

PZ۳

۸۲۳/۹۱۲

۸۶۸۳۲۵۲

فیبا

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
فروست:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
عنوان دیگر:
موضوع:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:
اطلاعات رکورد کتابشناسی:

فلاش؛ سگ شاعر

ویرجینیا وولف
ترجمه شفیقه کیوان

چاپ اول ه زمستان ۱۴۰۱ ه ۵۰۰ نسخه ه

صفحه آرایی: امین شجاعی ه امور چاپ: محمدامین رضاپور ه
چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه امیرکبیر ه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی،

تقاطع خیابان سعدی، پلاک ۲

شماره تماس: ۰۲۱۳۳۹۰۰۷۵۱-۲ و ۶۱۲۸

کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸

amirkabirpub.ir

@amirkabirpubco



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
© همه حقوق محفوظ است.



مقدمه مترجم

شاعران و نویسندگان، این جادوگران بدون مرز مجهز به قوه تخیل و نبوغ، بارها در قالب حیوان حلول کرده و ما را با خودشان همراه کرده‌اند تا زندگی را با نگاهی نو و بدیع بنگریم. آن‌ها که سپیددندانِ جک لاندن^۱ (۱۹۰۶)، دلِ سگ میخائیل بولگاکف^۲ (۱۹۲۵)، سگ ولگرد صادق هدایت (۱۳۲۱/۱۹۴۲) یا تیمبوکتو^۳ پال آستر^۴ (۱۹۹۹) و... را خوانده‌اند، با لذت غریب و منحصر به فرد درک و تجربه دنیا از دریچه نگاه یک سگ آشنا هستند؛ تجربه‌ای که جز از خلال جادوی ادبیات ممکن نیست.

این بار در کتاب پیش‌رو، ویرجینیا وولف معروف است که این سفر را برای ما رقم زده است. آری! فلاش^۵ سرگذشت یک سگ است.

ولی کدام سگ؟ فلاش سگ پشمالوی نجیب‌زاده‌ای از نژاد

1. Jack London.

2. Mikhail Bulgakov.

3. *Timbuktu*.

4. Paul Auster.

5. Flush.

اصیل اسپانیل بوده است و به شاعره برجسته انگلستان، الیزابت برت براونینگ^۱ (۱۸۰۶-۱۸۶۱) و همسر شاعرش، رابرت براونینگ^۲، تعلق داشته است. شاعره‌ای که سرگذشتش هم‌پای سرگذشت فلاش و از دید او و با زبانی ادبی و سرشار از طنز و هوش و احساس روایت می‌شود.

ولی الیزابت برت براونینگ چه کسی بود و چه کرد؟ الیزابت برت قبل از رابرت براونینگ شاعری شهره بود، فرزند اول خانواده‌ای متمول که در خانه «با» صدایش می‌زدند. انتشار مجموعه اشعارش در سال ۱۸۴۴ برایش چنان شهرتی به ارمغان آورد که رابرت براونینگ شاعر نامه‌ای در تحسین آن‌ها به او نوشت. با این حال، عشق بین او و رابرت براونینگ باعث شکوفایی دوچندان استعدادش و خلق بزرگ‌ترین اثرش، *آرورالی*^۳ (۱۸۵۶) و آثار معروف دیگری شد (مانند «چگونه دوست دارم؟»^۴) *آرورالی* داستان منظوم زندگی و مشکلات زنی اهل قلم به نام آرورالی است که در آن شاعر مسائل روز و مشکلات اجتماعی را نیز مطرح کرده است. الیزابت برت براونینگ با جرج ساند^۵ و هریت بیچر استو^۶ دوستی نزدیکی داشت. اشعارش از چنان قدرتی برخوردار بودند که بر جنبش‌های زنان تأثیر گذاشتند. با وجود برده‌داری پدرش، اشعارش بر ضد برده‌داری و نیز در راه منسوخ شدن کار کشیدن از کودکان مؤثر واقع شدند. او همچنین برای ملک الشعرا شدن در انگلستان رقیب آلفرد

-
1. Elizabeth Barrett Browning.
 2. Robert Browning.
 3. *Aurora Leigh*.
 4. "How Do I Love Thee?" (Sonnet 43).
 5. George Sand.
 6. Harriet Beecher Stowe.

لرد تنیسون^۱ بود. آثارش در آمریکا الهام بخش امیلی دیکنسون^۲ و ادگار آلن پو^۳ بودند؛ تا جایی که ادگار پو (که همواره سواد و هنر او را می ستود) برای وزن شعر «کلاغ» از او تأثیر گرفت و مجموعه شعر کلاغ را به او تقدیم کرد. ویرجینیا وولف در مقاله ای در نقد آرورالی، از اینکه به حواشی زندگی الیزابت برت براونینگ بیشتر از آثارش پرداخته می شد به سختی انتقاد کرد: «هیچ کس او را نمی خواند و هیچ کس درباره اش بحث نمی کند و هیچ کس به خودش زحمت نمی دهد تا جایگاه او را نشان دهد»^۴.

ویرجینیا وولف در سال ۱۹۳۱ و در دوران نقاهتش به سبب خستگی مفرطی که پس از نگارش رمان بلند و عمیق و شاعرانه موج ها در او به وجود آمده بود، به تماشای تئاتر برت های خیابان ویمپول، اثر رودولف بیزابر^۵ رفت؛ نمایشی سرگرم کننده و پرافاده با تصویری «ضعیف»^۶ از جانراده برت. پس از آن، وولف به خواندن نامه های براونینگ ها مشغول شد و سرانجام تصمیم گرفت درباره آن ها بنویسد. او فلاش را در نقش شخصیت اصلی کتابش برگزید. در نامه های وولف می خوانیم: «آن قدر از نوشتن موج ها خسته بودم که در باغ می نشستم و نامه های عاشقانه براونینگ ها به یکدیگر را می خواندم و شخصیت سگشان من را به خنده می انداخت،

1. Alfred Lord Tennyson.

2. Emily Dickinson.

3. Edgar Allan Poe.

4. Woolf, Virginia. "Aurora Leigh" in *Women and Writing*. Ed. Michèle Barrett. London: Harcourt Brace Jovanovich, 1979, pp. 133-144. p. 134.

5. Rudolf Besier.

6. Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf*. vol 4. Ed. Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. London: Hogarth Press, 1975-80. p. 349.

آن قدر که نتوانستم به او زندگی نبخشم.^۱

به این ترتیب، ویرجینیا وولف که پس از اتمام نگارش رمان موج‌ها به خاطر کار روی این شاهکار بلندپروازانه دچار خستگی شدید شده بود و نیاز به استراحت داشت، دست به خلق فلاش زد. پروژه‌ای برای «آسوده کردن ذهن پُرگراش» پس از موج‌ها.^۲ نگارشی بدون فشار و سخت‌گیری که در آن رهاتر بود و دست خودش را بازتر گذاشته بود و قرار نبود مانند کارهای دیگر، سخت و جدی در آن فرو رود و رmq خودش را بکشد. قرار نبود شش دانگ حواسش به اعتلای تکنیک‌های مدرنیسم و ردگیری جریان سیال ذهن باشد؛ قرار بود نوع دیگری از نگارش باشد. وولف نویسنده‌ای پویا و آزمایش‌گر بود و فلاش قرار بود آزمایشی دیگر باشد؛ نگاه و نقطه دیدی جدید. این بار نوشتن برای تفریح بود، برای استراحت، برای شوخی؛ مانند اورلاندو^۳ پس از رمان به سمت فانوس دریایی. وولف در جایی با شیطنت از فلاش به عنوان «یک پارودی»، «یک شوخی»^۴ با لیتن استریچی،^۵ دوست صمیمی‌اش و نویسنده سرشناس بلومزبری،^۶ یاد کرده است. یک پارودی از کتاب اخیرلیتن، ویکتوریایی‌های سرشناس^۷ که بیوگرافی افرادی مانند ملکه ویکتوریا است. کنار این انگیزه‌ها،

1. Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf*. vol 5. Ed. Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. London: Hogarth Press, 1975-80. p. 161.

2. Woolf, Virginia. *The Diary of Virginia Woolf*. vol 4. Ed. Anne Olivier Bell and Andrew McNeillie. New York: Harcourt Brace, 1979-85. p. 37.

3. *Orlando* (1928).

4. Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf*. vol 5. Ed. Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. London: Hogarth Press, 1975-80. p. 162.

5. Lytton Strachey.

6. Bloomsbury.

7. *Eminent Victorians* (1918).

انگیزه مادی را نیز نمی‌شود نادیده گرفت. وولف در نامه‌ای به دوست عزیزش ویتا سکوویل وست^۱، هدف نگارش فلاش را هدفی اقتصادی عنوان می‌کند: نوشتن چیزی که شکست مالی کم‌فروش بودن موج‌ها را جبران کند.^۲

ولی تفریحی بودن نگارش یک اثر از نویسنده‌ای مانند وولف چگونه امکان داشت؟ آیا این کتاب فقط در حد شوخی بود؟ یا برعکس، بسیار جدی‌تر از آن بود که وولف بتواند کنترل کند؟ وولف فلاش را در ژوئیه ۱۹۳۱ شروع کرد و اول اکتبر ۱۹۳۳ به چاپ رساند، حدود ۱۵ ماه مطالعه و نگارش. البته در این بین برمتون دیگری مثل سه‌گینی نیز کار می‌کرد و ذهنش مشغول ایده رمان سال‌ها نیز بود. وولف برای این اثر همانند محقق دقیق و حرفه‌ای مطالعه کرده‌اش، درباره زاغه‌های لندن و ریشه اسپانیل‌ها و سایر ریزه‌کاری‌های کتاب احتمالاً ساعت‌ها در کتابخانه بین‌آرشیوها یا روی میز کارش در باغ پژوهش کرده‌است. سردردها برگشتند و خستگی آن‌چنان که باید، از تن دررفت. فلاش فقط یک سرگرمی نبود. وولف پس از انتشار فلاش، در پاسخ به تحسین دوستش، سیبیل کولفکس^۳، از این اثر نوشت: «فلاش پراز سایه و اشارت است و کسی متوجه نشده‌است که من در آن به دنبال چه چیزی می‌گردم.»^۴ با این حساب، وولف بین خطوط این اثر شیرین چه رازی را پنهان کرده‌است؟

1. Vita Sackville-West.

2. Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf*. vol 4. Ed. Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. London: Hogarth Press, 1975-80. p. 380.

3. Sibyl Colefax.

4. Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf*. vol 5. Ed. Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. London: Hogarth Press, 1975-80. p. 236.